

نشر شیعی در لبنان

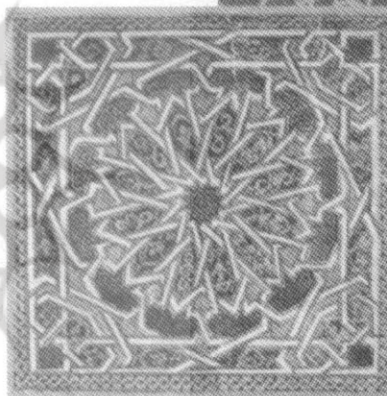
○ محمد نوری

- Shia's Publishing in Lebanon:
with special Reference to Islamic and Islamist publication
- Stephan Rosiny
- Berlin, Verlag Das Arabisch Buch, 2000, 184p.

کتاب نشر شیعی در لبنان به زبان انگلیسی در برلین منتشر شده است. این اثر از جهات مختلف قابل توجه و حائز اهمیت است. مهم‌ترین ویژگی آن، استفاده از روش میدانی در گردآوری اطلاعات و تحلیل داده‌ها با شیوه جدید علمی است. استفن روزینی، نویسنده آن مدتی را در لبنان به تفحص و پژوهش در این زمینه پرداخته و از نزدیک به اطلاعات دست یافته است. وی پژوهش‌های متعددی درباره لبنان داشته و آثاری از او در این زمینه منتشر شده است؛ از جمله اسلام‌گرایی شیعیان در لبنان^۱ به زبان آلمانی. در گذشته، شماری از متفکران شیعی، خود به معرفی چهره فرهنگی و کارنامه علمی شیعه اقدام کردند. از جمله شیخ طوسی با تدوین الفهرست و آقازیرگ تهرانی با تألیف الذریعه تلاش کردند با معرفی آثار علمی شیعه، به شبه‌زدایی بپردازند و شیعه را بسان یک مذهب با شالوده‌های مستحکم فرهنگی و بنیان‌های قوی فکری معرفی کنند. اما تاکنون فردی غیرشیعه به ویژه از پژوهشگران غرب به معرفی کارنامه علمی تشیع نپرداخته بود و این نکته به اهمیت این اثر می‌افزاید. این مقاله بر آن است تا ابعاد مختلف این کتاب را معرفی کند و گاه برخی از مطالب آن را به نقد بکشد.

مؤلف در مقدمه تصریح می‌کند که نشر به عنوان موضوع پژوهش کمتر مورد توجه متفکران علوم اجتماعی قرار می‌گیرد و معمولاً با نگاه ابزاری و برای یافتن منابع اطلاعاتی به آن نگریسته می‌شود. وی در ادامه می‌نویسد از آنجا که نشر و انتشارات شیعیان لبنان موضوع مناسبی برای بررسی است در این باره پژوهش کرده است.

منظور روزینی از نشر، تولید محصولات و کالاهای فرهنگی در قالب روزنامه، کتاب و مجله است. این فرآورده‌های فرهنگی با وضع اجتماعی



پژوهشگاه علوم انسانی و
رتال جامع علوم

از مشکلاتم این بود که وقتی براساس اطلاعات پیشین که از ناشران لائیک شیعه داشتم به سراغ آنها می‌رفتم، برخی از آنها در ابتدا خود را «شیعه» معرفی نمی‌کردند یا احتمالاً شیعه بودن خود را انکار می‌کردند و تشخیص اینکه آیا باید آنان را در این کتاب گنجانم یا خیر، کاری بس دشوار بود. در همین ایام بود که دریافتیم کشور لبنان علاوه بر جامعه‌های دینی متعدد و گسترده، به نوعی با تنوع درون فرقه‌ای عظیمی مواجه است و نیازمند عرضه‌ی تصویر معتدل و واقع‌بینانه‌تری است. در واقع اگر این تصویر و تحلیل در دسترس بود این پژوهش را آسان‌تر می‌ساخت. با توجه به دیدگاه جامعه‌شناختی، بررسی انواع مختلف ناشران و مقایسه شکل و شیوه‌های کاری آنان با یکدیگر به لحاظ روش‌شناسی موضوعی هرچند جالب توجه است اما کاری واقعاً پرمشقت بود. زیرا مرز میان بخش‌های اسلام‌گرا و غیر اسلام‌گرای صنعت نشر به صراحت تعیین نشده و نیازمند تحقیقی مستقل و طولانی است.

تحقیقات انجام گرفته در این کتاب از این حیث که تاکنون فهرست کاملی از ناشران فعال در لبنان ارائه نشده است جدید می‌نماید. همچنین، حوزه نشر به طور کلی و حوزه نشر شیعیان به طور خاص، هنوز مورد تجزیه و تحلیل عمیق قرار نگرفته است. اکثر فهرست‌های نیمه رسمی و آثار درجه دوم موجود در این زمینه یا کامل نیستند یا اطلاعات آنها منسوخ شده است. لبنان فاقد کتابخانه ملی کامل یا کتاب‌شناسی ملی جامع یا حداقل کتابخانه روزآمد است که مجموع کتاب‌های منتشره جدید را نگهداری کند. بیشتر تاجران حرفه‌ای کتاب بیروت نیز صرفاً نگاه اجمالی و تجارتنی و غیرفهرنگی به بازار کتاب داشتند و تحلیل‌های آنها جامع و کامل نبود. این امور به مشکلات این پژوهش می‌افزود.

مؤلف پس از این گزارش و شرح دشواری‌های پژوهش، درباره اهمیت و انگیزه‌های انجام این تحقیق سخن می‌گوید. در این مبحث تلاش روزینی در این است که تا حد امکان شکاف موجود میان مؤلف و پژوهشگران را از میان بردارد و از این طریق اهمیت این اثر را بشناساند. او می‌نویسد شاید بتوان گفت این اثر منبع مفیدی برای کتابداران، دانشمندان و همه افرادی است که به گونه‌ای با فرهنگ عرب سروکار دارند. از سوی دیگر راهنمایی برای دانشمندان علوم اجتماعی و پژوهشگران مطالعات خاورمیانه است و درباره کارایی فرهنگ شیعیان و تعامل آن با سایر فرقه‌ها، سیاست‌های شیعیان، جامعه‌شناسی و فرهنگ آنها و به خصوص، اسلام‌گرایی شیعیان اطلاعات مفیدی در اختیار قرار می‌دهد. مهم‌تر اینکه، اثر حاضر در فرآیند اقتصاد و تجارت نیز مؤثر است و راجع به فعالیت‌های ناشران لبنانی، اهداف آنان، بازارهای صادرات، دورنماها و مشکلات اقتصادی آنها اطلاع‌رسانی می‌کند.

در سطرهای پیشین به منابع نویسنده اشاره شد، خود او در مقدمه به منابع مهم دیگری اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در ابتدا فهرست ناشران موجود را پس از جست‌وجو در کتابخانه‌های توپینگن و هاله تهیه کردم. مدیریت این دو کتابخانه در جمع‌آوری کتاب‌های موجود درباره خاورمیانه برای کشور آلمان اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. از برخی کتابفروشی‌های بزرگ در غرب بیروت، از جمله نمایشگاه دائمی کتاب بیروت دیدن کردم.

و سیاسی لبنان پیوند و تعاملی درونی دارد و بستر لازم را برای تحولات به وجود آورده است. به ویژه تحول دینی یا رویکرد مردم به دین را باید مرهون فعالیت‌های انتشاراتی دانست. در اینجا روزینی اقرار می‌کند که با فعالیت‌های ناشران شیعه لبنانی چهره علمی تشیع بیش از پیش نمایان شده است. متغیرهای مؤثر در فرآیند نشر شیعی لبنان متعدد و متکثرند؛ اما یکی از مهم‌ترین آنها رشد فضای دین‌گرایی در لبنان بوده است. به طوری که حتی ناشران لائیک، دست کم چند کتاب اسلامی منتشر کرده‌اند و آثار شیعی نیز از این روند به دور نبوده‌اند. البته روزینی از متغیر دیگر که همان تجددگرایی شیعه و به عبارت صحیح‌تر کارایی شیعیان در عرصه‌های مختلف علمی جهان مدرن است، غفلت نکرده و در صفحاتی به تحلیل آن پرداخته است.

روش گردآوری اطلاعات و تألیف

براساس احصاء و استقرای روزینی، در مجموع ۳۱۲ شرکت انتشاراتی یا مؤسسه نشر زیر نظر و مدیریت شیعیان در لبنان در چهل سال اخیر فعالیت داشته‌اند و حدود ۴۰/۰۰۰ عنوان کتاب چاپ کرده‌اند. از این تعداد حداقل ۲۵/۰۰۰ عنوان به اسلام اختصاص دارد. روزینی برای انجام پژوهش خود یک سوم از این ناشران یعنی حدود یکصدناشر را حضوراً و مستقیماً بررسی کرده است و با بسیاری از افرادی که به نحوی در انتشارات شیعی نقش داشته‌اند به گفت‌وگو پرداخته است. او گزارش تلاش‌های خود برای دستیابی به اطلاعات این ناشران و روش بررسی و تحلیل خود را این‌گونه شرح می‌دهد: «ابتدا کاتالوگ‌ها و راهنماهای سی و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی اعراب در بیروت (دسامبر ۱۹۹۳)، چهلمین دوره (دسامبر ۱۹۹۶)، چهل و یکمین دوره (دسامبر ۱۹۹۷)، چهل و دومین دوره (نوامبر و دسامبر ۱۹۹۸) و همچنین، راهنمای نمایشگاه بین‌المللی کتاب (فوریه و مارس ۱۹۹۷) و چهارمین دوره (فوریه و مارس ۱۹۹۸) بررسی و اطلاعات اولیه نشر شیعی را گردآوری کردم. سپس به سراغ خود ناشران رفتم. برای تهیه مقدمات پژوهش با بسیاری از ناشران شیعه در لبنان گفت‌وگو کردم. از ژوئن تا سپتامبر ۱۹۹۷ را به فعالیت‌های زمینه‌ساز این تحقیق یعنی جمع‌آوری اطلاعات تجربی درباره ناشران شیعه حاضر در طیف گروه‌های اسلام‌گرا گذراندم. نوع فعالیت‌ها و اهداف سیاسی و اقتصادی - اجتماعی آنان را در لبنان موردتحقیق و تفحص قرارادم. بسیاری از اطلاعات این کتاب را با زحمات طاقت فرسا و حتی به کار گرفتن شیوه کارآگاهی و انجام مصاحبه‌های فراوان و پیاده‌روی‌های طولانی در حومه‌های جنوبی بیروت به دست آوردم. اطلاعاتم به حدی رسیده بود که خود لبنانی‌ها از برخی یافته‌های من بی‌خبر بودند. حتی وقتی برای تأیید برخی اسامی نزد مقامات صنعت نشر لبنان رفتم کثرت ناشران آنان را به شدت گیج کرده بود و اظهار می‌داشتند که نام آنها را هرگز نشنیده‌اند. در جریان دومین اقامتم در لبنان که با چهل و یکمین نمایشگاه بین‌المللی اعراب در دسامبر ۱۹۹۷ مصادف بود، بخش دیگری از پژوهش‌ام را که درباره ناشران غیراسلامی و لائیک با خاستگاه شیعی بود تکمیل کردم. تلاشم بر این بود که، بانک اطلاعاتم را وسعت دهم و به نکات جدید دست یابم. یکی

از این رو، تحقیق آمورتی بسیار گزینشی است و اساساً بر منابع دست دوم موجود، نه بر اطلاعات دست اول مربوط به ناشران، مبتنی است.

شرکت تبلیغاتی لبنان (المؤسسه اللبنانی للاعلان) اخیراً فهرستی از اسامی مؤسسات فرهنگی و آموزشی، همچنین ناشران و مؤسسات مذهبی جنوب لبنان در سال ۱۹۹۷ را عرضه کرده است. منبع مهم دیگر برای ارزیابی فعالیت‌های ناشران، کتابچه‌های راهنمای آنان است. برخی از این کتاب‌های راهنما حاوی مقدمه‌هایی درخصوص نحوه برداشت و درک این ناشران از مؤسسه خودشان است. راهنمای دو نمایشگاه بین‌المللی کتاب اعراب در بیروت و نمایشگاه بین‌المللی کتاب لبنان، آدرس و محل فعالیت تمامی شرکت‌کنندگان را ذکر کرده است. روزی با استفاده از این گونه راهنماها به اطلاعات مفیدی دست یافته است. منبع مهم دیگر او فهرست «مرکز فرهنگی اعراب»^۱ در بیروت بود. این مرکز، نمایشگاه بین‌المللی کتاب اعراب در بیروت را سازماندهی می‌کرده است. فهرست اعضای سندیکای اتحادیه ناشران لبنان^۲ در سال ۱۹۹۸ که هنوز به چاپ نرسیده است، طولانی‌ترین فهرست موجود از نام ۶۱۹ مؤسسه انتشاراتی بود که روزی از آن بهره برد.

اطلاعات مربوط به ناشران بزرگ در دسترس بوده است اما به دلیل اینکه بسیاری از مؤسسات انتشاراتی کوچک در نمایشگاه‌های بزرگ کتاب شرکت نمی‌کنند و به صورت یک سازمان رسمی نیز به ثبت نمی‌رسند، به دست آوردن اطلاعات درباره آنها مشکل است و پژوهشگران هم کمتر در این باره تحقیق کرده‌اند. برخی از آنها محصولات خود را برای مخاطبان خاص منتشر می‌کنند. این گونه مؤسسات معتقدند که داشتن غرفه در نمایشگاه سود چندانی به دست نمی‌دهد. همچنین پرداخت هزینه بالای ثبت نام و عضویت در اتحادیه ناشران، یعنی ۴ میلیون لیره لبنان (حدود ۲۵۰ دلار آمریکا) و مبلغ ۳۲۵۰۰۰۰ لیره‌ای (۲۰۰ دلار آمریکا) حق عضویت سالانه، برای آنها ممکن نیست، زیرا درآمد ماهانه بسیاری از ناشران کوچک به سختی به ۳۰۰ دلار می‌رسد. نداشتن تابعیت لبنان مانع دیگر برای برخی از ناشران برای دریافت مجوز است. سندیکای اتحادیه ناشران لبنان این مجوز را نخستین مرحله برای شرکت در نمایشگاه می‌داند. افزون بر این، شرط چاپ حداقل سه عنوان کتاب جدید در سال، در توان برخی از ناشران نیست و حتی بسیاری از اعضای سندیکا نیز این توانایی را ندارند. روزی مجموعه این عوامل را از محدودیت‌های پژوهش خود برمی‌شمارد. وی به ریشه محدودیت‌ها می‌پردازد و دست نیافتن خود را به طرح نخستین و آرماتی خود، توجیه علمی می‌کند.

محدودیت‌های تحقیقات

بعضی از مشکلات و موانع توضیح داده شد اما به منظور تجربه‌آموزی از روش پیشبرد پژوهش‌های علمی، در این بخش به بررسی جدی‌تر موانع و مشکلات می‌پردازیم.

بروز برخی مشکلات اساسی در جریان تحقیقات از دقت برخی داده‌ها در این بررسی‌ها می‌کاهد. از این رو صحت و اعتبار تحلیل‌های

طی مدت انجام تحقیقات در لبنان با بسیاری از آگاهان در تماس بودم و آنان برخی از ناشران را به من معرفی کردند و نام‌ها و آدرس‌های بیشتری به من دادند. به طور کلی، در ارزیابی مشکلات ناشران لبنانی و به طور خاص، بررسی روابط شرکت‌های نشر متعلق به شیعیان مرا یاری دادند. در مرحله دوم، از حدود یکصد ناشر فعال در بیروت که مالکیت و اداره آنها با شیعیان است، دیدار و با کارمندان، مدیران و مالکان این انتشاراتی‌ها گفت‌وگو کردم و آگاهی‌هایی برای گروه‌بندی آنها براساس اهمیت، اهداف و مضامین اصلی موجود در گستره آثار به دست آوردم ۶۰ درصد ناشران موردنظر به پرسش‌نامه‌های جامعی که برای آنان فرستاده بودم، پاسخ دادند. صرف نظر از پرسش‌های معمول تا سوالات درباره آدرس، تعداد و نوع فعالیت کارکنان، شعبه‌های موجود در داخل و خارج از لبنان، همکاری آنان با سایر ناشران، سهم آنها در صادرات به کشورهای اصلی دریافت‌کننده و مشکلات موجود در زمینه چاپ و توزیع کتاب بود. پرسش‌های دیگر به مضامین و اهداف آثار آنان، برداشت دینی آنان و نیز، نظر ایشان درباره فعالیت و نقش خود می‌پرداخت.

هرچند این پژوهش پیشینه فراوانی ندارد، ولی توجه به این پیشینه برای شناخت پژوهش روزی مهم است. نخستین اثری که می‌توان نام برد کتابی درباره صنعت نشر و ناشران جهان عرب و حدود ۲۵۰ ناشر لبنانی است.^۳

همچنین از اثر معود استفان - هاشم (۱۹۸۸)، فهرستواره تحلیلی ۹۱ انتشاراتی، می‌توان نام برد که ناشران و نیز، حجم برنامه، گستره مضامین مطرح در آثارشان و نیز بازارهای اصلی دریافت‌کننده صادرات آنان را به روش جامعه‌شناختی تجربی بررسی کرده است. وی ارتباط مثالی میان مؤلف، ناشر و خواننده را مورد تحقیق و تفحص قرار داده است. ندافانزالسعید نیز اخیراً تحقیق مشابهی انجام داده است. جامعه نمونه او ۴۰ ناشر را در برمی‌گیرد. وی تأکید خاصی بر موقعیت حقوقی صنعت چاپ و نشر در لبنان و عوامل ممیزی و خود ممیزی برای صدور آثار چاپی به سایر کشورهای عربی دارد. یافته‌های او حاکی از این است که بازار کتاب در برابر بحران‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی حاکم بر کل منطقه بسیار حساس است.

اطلاعات کلی تاریخ چاپ و نشر در لبنان را می‌توان در اثر جرج عطیه (۱۹۹۵) و مقاله‌ای درباره چاپخانه در دایره‌المعارف اسلام یافت. تنها تحقیق علمی که فعالیت چاپ و نشر را به طور خاص در لبنان موردتوجه قرار داده اثری متعلق به بیانکاماریا اسکارسیا آمورتی (۱۹۹۵) است. او در این اثر محتوا و سبک مذهبی - سیاسی برخی مجلات شیعی از جمله، العرفان، تراثه الغدیر و النور را که در لبنان به چاپ می‌رسند، وصف می‌کند. وی همچنین، کتاب‌های راهنمای حدود دوازده ناشر شیعه را تحلیل می‌کند که اکثر آنان با منابع شیعه و ادبیات اسلام‌گرایی در ارتباط‌اند. او مواردی همچون ادبیات دینی، مؤلفان و مضامین آثارشان را تحلیل می‌کند. در آغاز دهه ۱۹۹۰، یعنی در زمانی که این تحقیقات انجام می‌گرفت، سفر به حومه‌های جنوبی بیروت یعنی حوزه فعالیت ناشران اسلام‌گرای شیعه و دیدار از آنها برای محققان غربی امری غیرممکن بود.

شرکت‌های زیرمجموعه تقسیم و آن را به فرزندان، همسر یا اقوام و خویشان انتقال می‌دادند و بدین ترتیب از خطرهای احتمالی برای تجارت خویش پیشگیری می‌کردند و نفوذ خود در مجامع رسمی را قوت می‌بخشیدند.

روزینی مشکل جغرافیایی را نیز مهم دانسته و می‌گوید: مشکل عام‌تری که کشور لبنان با آن دست به گریبان است اطلاعات اغلب متناقض و متغیر درباره نشانی‌هاست. شماره تلفن‌ها به دلیل بازسازی منازل طی چند سال گذشته چندین بار عوض شده است. بسیاری از شرکت‌های کوچک‌تر به دلیل بالا رفتن میزان اجاره‌ها از محل‌های پیشین رانده و برخی از آنها حتی به همین علت از لبنان خارج شده‌اند. علی‌رغم این مشکلات، نویسندگان با صبر و حوصله و با پرس و جوها، با اکثر ناشرانی که در لبنان فعال بودند تماس گرفته است.

جامعه لبنان و وضع شیعه

بلون ارزیابی و تحلیل دقیق ساختار اجتماعی و نظام فرهنگی لبنان نمی‌توان دور نمای صحیحی از تشیع و فعالیت‌های فرهنگی شیعه در این کشور داشت. زیرا شیعه جزئی از کل جامعه لبنان است. از این رو نویسنده در مقدمه بحث مستوفایی را به بررسی جامعه و فرهنگ لبنان و در ضمن تشیع و فعالیت‌های ناشران شیعه اختصاص داده است. به نظر او آزادی‌ها در لبنان، از قدیم ساختار این کشور را به صورت متکثر در آورده است. به طوری که لبنان صحنه نبرد عقاید اجتماعی - سیاسی و مذهبی خاورمیانه از جمله ملی‌گرایی، سوسیالیسم، مارکسیسم، سکولاریسم، لیبرالیسم و اسلام‌گرایی شده است. یکی از دلایل عمده درگیری و کشمکش که به جنگ طولانی مدت داخلی در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۱ انجامید همین چندگانگی و نزاع‌های عقیدتی و فرقه‌گرایی در این کشور بود. کاربرد مفهوم دشمن اغلب به طور ضمنی دارای معنای تخالف فرقه‌ای نیز بود.

در رسانه‌های غربی واژگانی همچون مسلمانان پیشرو، جناح چپ مسیحیان مرتجع جناح راست، پیروان مذهب شیعه بنیادگرا، دینداران بنیادگرا، متدینان قرون وسطی و مسیحیان بی دین عصر حاضر برای بیان گرایش‌های موجود در لبنان به چشم می‌خورد که اصطلاحاتی کلیشه‌ای و به دور از واقعیت است. این واژگان به هیچ‌وجه واقعیت بسیار پیچیده لبنان را ترسیم نمی‌کنند.

«لبنانی‌ها» به موجب دو ویژگی متناقض به شهرت رسیدند: از یک سو به دلیل افراطی‌گری و جزمیت‌گرایی و جدایی‌طلبی کوتاه‌بینانه خود و از سوی دیگر، به دلیل عمل‌گرایی در گذشتن از خطوط و مرزها برای انطباق ایدئولوژی‌های خود با نیازهای واقعی زمان و تشکیل و برقراری پیمان‌های مصلحتی و منفعتی که گاهی از نگاه ناظران بیرونی غیرمنطقی به چشم می‌آمد.

درگیری در لبنان به شدت از روند تجدد ناقص نیز متأثر است. زوال زراعت سنتی و مبتنی بر نیروی کار انسانی، شهرسازی سریع، افزایش میزان نقل و انتقال و تغییرپذیری، تضعیف وفاداری‌های محدود و

مربوط به صنعت چاپ و نشر لبنان تابع همین محدودیت‌هاست. نویسندگان مشکلات را این‌گونه بیان می‌کنند: گروهی از شرکت‌ها نسبت به در اختیار گذاشتن داده‌های مربوط به فروش خود تمایل نداشتند. همچنین، شرایط نظامی و سیاسی باعث شد که برخی از مصاحبه‌شوندگان به تحقیقات درباره «شیعیان» احساس بی‌اعتمادی کنند. موقعیت اقتصادی موجود نیز بازار کتاب را به شدت بی‌ثبات و متزلزل ساخته بود.

روزینی این سه مشکل را به تفصیل توضیح می‌دهد. از نگاه او اگرچه ناشران برای عرضه آمارها دلایل صرفاً اقتصادی دارد. زیرا برخی از آنان درصددند از پرداخت مالیات بر درآمد و حق بیمه کارکنان خود اجتناب کنند. ناشران دیگر نیز بیم آن دارند که رقیب‌ها از این اطلاعات به سود خویش استفاده کنند. از سوی دیگر بسیاری از ناشران تجارت پیشه درباره اهمیت فعالیت‌های خود مبالغه کردند و تعداد آثار منتشره خود را بسیار بیشتر از آنچه هست ذکر می‌کردند. از آنجا که داده‌های مربوط به مقدار فروش و سود برخی از ناشران بسیار اندک بود، روزینی تصمیم گرفت اطلاعات آنها به ویژه اطلاعات مکتوب در کاتالوگ‌های آنها را یکسره کنار نگذارد و با حسن ظن به آنها بنگرد. از این رو آمار تعداد کتاب‌های منتشر شده، میانگین تعداد نسخه‌ها و تعداد کارکنان را براساس همان آمارها تحلیل کرد. به همین دلیل داده‌ها و تحلیل‌های روزینی با نقصان‌ها و مشکلاتی مواجه است.

موقعیت وخیم نظامی در جنوب لبنان در تابستان ۱۹۹۷، بیم حملات زمینی و هوایی اسرائیلی‌ها را، حتی به حومه‌های جنوبی بیروت که زیر سیطره نظامی و سیاسی حزب الله بود، شدیدتر کرد. بسیاری از ناشران اسلام‌گرای شیعه در این منطقه استقرار دارند. برخی از آنان به غربی‌ها مشکوک و بی‌اعتماد بودند. البته روزینی اظهار می‌کند که اکثر آنان برای پاسخ دادن به برخی از سوالات همکاری می‌کردند اگرچه متقاعد ساختن آنان به خوش نیت بودن و اهمیت تحقیقات به گفت‌وگوهای طولانی نیازمند بود. در نتیجه فقط ۱۰ درصد از ناشران مورد نظر از پاسخ دادن به سوالات و ارائه اطلاعات، کاملاً خودداری کردند.

خطرهای سیاسی و نظامی احتمالی موجود در دوره جنگ داخلی و خطرهای اقتصادی احتمالی که پس از پایان جنگ در سال ۱۹۹۱ وجود داشت انتشار کتاب را به خصوص برای شرکت‌های کوچک‌تری که فاقد رکن و محور محکم اجتماعی یا حمایت سیاسی بودند به اقدامی مخاطره‌آمیز مبدل ساخته بود. بسیاری از ناشران که در دو دهه اخیر ظهور و افول یافتند قربانی بازار بی‌ثبات شدند. برخی از آنان فعالیت‌های خود را برای مدتی متوقف کردند و بقیه به مشاغل دیگر رو آوردند. شرکت‌های بزرگ‌تر امتیاز بسیاری از شرکت‌های انتشاراتی کوچک را خریداری و آنها را در خود ادغام کردند. تشخیص اینکه آیا این قبیل امور خود به خود یا به عمد صورت گرفته، بسیار دشوار است. همچنین، اطمینان از اینکه آیا نام یک ناشر نام واقعی یک شرکت مستقل است یا نام رمزی برای ناشر دیگر، امری بعید است. رؤسای شرکت‌های انتشاراتی که مسئولیت توزیع کتاب‌های ناشران دیگر را داشتند. معمولاً تمایل و رضایتی به گفت‌وگو درباره مناسبات با آنها نشان نمی‌دادند. مالکان گاهی شرکت خود را به

درصد، دوروزی‌ها ۶/۸ درصد و کاتولیک‌های یونانی ۵/۹ درصد. امروز، این ارقام به دلیل سرعت بالای رشد جمعیت مسلمانان و روند سریع مهاجرت مسیحیان دقیق نیست.

روزی‌نی با ذکر این اطلاعات و تحلیل‌ها به اهمیت شیعه در لبنان اقرار می‌کند و نقش شیعیان در فرهنگ لبنان و حتی منطقه را اساسی می‌شمارد.

طبقه‌بندی ناشران شیعی لبنان

روزی‌نی طبقه‌بندی‌ها و مرزبندی‌های مرسوم در عرصه تبلیغات و سیاست را نمی‌پسندد و برای تعیین مرزها و تمایزات دقیق ناشران شیعه لبنانی تلاش فراوانی کرده است. او می‌نویسد ناشران متعدد و انواع مختلف آثار منتشره آنان مواضع پیچیده و گوناگون «شیعیان» عصر حاضر را صرف‌نظر از اینکه خود را شیعه می‌خوانند یا خیر، منعکس می‌کنند. یافته تحقیق حاضر با دیدگاه متعارف که شیعیان را صرفاً به سه دسته اسلام‌گرا، اصول‌گرا و تروریست مذهبی طبقه‌بندی می‌کند منافات دارد. زیرا در میان شیعیان اصول‌گرا، به معنای افراد صرفاً پرهیزکار، تجددگرایان مسلمان، تجددگرایان لائیک یا حتی ملحد و منتقد افراطی دین هم دیده می‌شود. از نگاه دیگر، شیعیان به افراطیان سیاسی، محافظه‌کاران، مذهبی‌ها و لائیک‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. این طبقه‌بندی‌ها درباره سایر جوامع فرقه‌ای ساکن لبنان نیز صدق می‌کند.

ناشران مورد بررسی در این تحقیق در دو گروه اصلی از یکدیگر متمایز می‌شوند. دسته‌بندی آنان صرفاً به دو گروه «مذهبی» و «غیرمذهبی» به لحاظ نگرش‌های متنوع و مختلف آنان به دین صحیح نیست؛ زیرا این دسته‌بندی‌ها معیارهای ذهنی‌اند. از آنجا که تقریباً همگی این ناشران حداقل در فهرست آثار منتشره خود چند اثر مرتبط با مذهب دارند، ارائه تعریف دقیق از ناشران «مذهبی» چندان ساده نیست. از این رو، معقول‌تر آن است که درک دینی ناشران را جویا شویم. با استفاده از این متغیر می‌توان ناشران لبنانی را به دو گروه متمایز تقسیم‌بندی کرد، چرا که میان این دو گروه به لحاظ تعداد و اهمیت به سختی موازنه برقرار می‌شود. روزی‌نی مؤسسات انتشاراتی نوع اول را از آنجا که اکثر آنان پیش از دهه ۱۹۸۰ تأسیس شده‌اند، ناشران «پیش‌کسوت» نامیده است. اینها نگرشی لائیک، فرهنگی یا تجاری نسبت به نشر فرهنگ دینی دارند. این ناشران، اسلام را فقط در شمار یکی از عواملی می‌دانند که جامعه از آنها متأثر خواهد بود. نوع دوم مؤسسات انتشاراتی، ناشران «اسلام‌گرا» هستند. اسلام از نگاه آنان آموزه‌ای کل‌گرایانه و فراگیر است. علی‌رغم اینکه همه ناشران این گروه بر این عقیده‌اند که دین باید نقش نافذتری در سیاست و جامعه ایفا کند، چه بسا در تعریف از جامعه اسلامی آرمانی، شیوه‌های اسلامی‌سازی، اقتدار و نیز میزان انطباق عقلانیت و علوم نو اختلاف‌نظر داشته باشند. این مؤسسات انتشاراتی را با توجه به موضع آنها در عرصه مسائل کلامی می‌توان به دو گروه اسلام‌گرای «متنی» و «حاشیه‌ای» تقسیم کرد. ناشران اسلام‌گرای مورد بررسی در این اثر، با چند استثنا، همگی در زمره نوگرایان قرار دارند، اما دیدگاه آنان در ارزیابی اسلام و نوگرایی متفاوت است.

کوتاه‌بینانه و بنیان نهادن یک اقتصاد منتسب به بازارهای سرمایه‌داری و بیش از پیش مرتبط با قیمت‌ها، عرضه و تقاضای بازار جهانی، صرفاً برخی از جنبه‌های تغییر و تحولاتی است که در دهه‌های گذشته در لبنان به وقوع پیوسته است. آن‌گونه که از نوگرایی برمی‌آید، این مفهوم به دو صورت منفی و مثبت بروز می‌کند: فرصتی برای به دست گرفتن سرنوشت خویش و انتخاب سبک زندگی یا اجبار و تکلیف به سازگاری با ضرورت‌های اقتصادی و تهدیدی در برابر ساختارهای متعارف و معیارهای جامعه خانوادگی، قبیله‌ای، روستایی و دینی جوامع ساکن در لبنان هنوز هویت‌های ثابت و لایتغیر خود را حفظ کرده‌اند، اما عملکرد خود را در زمینه حمایت و نظام‌بخشی اجتماعی از دست داده‌اند. انتخاب سنتی و جبرگرای لبنانی‌ها و بازگشت به اصل قومی و فرقه‌ای هنوز در بسیاری حوزه‌های جامعه جاری و متداول است. همزمان ضرورت‌ها و فشارهای نوگرایی یعنی انطباق با اقتصاد بازار و دیوان‌سالاری حکومتی به تمامی سطوح جامعه راه یافته و انسجام و توان همبستگی سنتی را تضعیف کرده است. در زمان جنگ داخلی شبه‌نظامیان و احزاب غالباً معیارها و نمادهای جوامع سنتی خود را مہار می‌کردند و آنها را با مفاهیم تجدید درمی‌آمیختند.

این اثر، نشر کتاب‌ها و مجلات را به عنوان انعکاس و آئینه این فرآیند پیچیده تحول اجتماعی مورد مذاقه و بررسی قرار می‌دهد. همچنین، پژوهش در حوزه هویت فرهنگی را در نظر دارد. جهت انجام این هدف، اجتماع شیعیان و فعالیت‌های آنان در حوزه نشر به عنوان نمونه و نه یک استثنا، برگزیده شده است. جامعه شیعیان امروز با داشتن ۳۰ تا ۴۰ درصد از سهم جمعیت لبنان بزرگ‌ترین اجتماع ساکن در لبنان به شمار می‌رود. جنبش‌گرایی سیاسی، فرهنگی و سکولاریسم آنان سنت پیوسته‌ای است که قدمتی بیش از جنبش‌گرایی دینی معاصر دارد. شیعیان حجم عمده‌ای از جنبش‌های ملی‌گرایانه و حرکت‌های مقابله‌جویانه و سیاسی جناح چپ در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را رهبری کرده‌اند. اینان به رغم حاکمیت اخیر خود بر حرکت‌های اسلام‌گرایانه در قلمرو عمومی و اجتماعی، همچنان در میدان سکولاریسم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و به عبارت دیگر، در احزاب، نهادها، رسانه‌ها، عرصه هنر و علم و بالاخره در صنعت نشر کتاب فعال‌اند. لبنان با داشتن تقریباً ۷۰۰ ناشر و جمعیتی بالغ بر ۳ میلیون نفر، بالاترین میزان سرانه ناشران را در سطح جهان در اختیار دارد. اهمیت گسترده صنعت نشر در اقتصاد لبنان در سهم صادرات آن نهفته است. شیعیان با در اختیار داشتن حدود ۳۱۲ شرکت انتشاراتی، ۴۵٪ از سهم نشر را برعهده دارند و از این نظر، جزء قابل ملاحظه‌ای از این بخش از اقتصاد را در اختیار دارند. علاوه بر این، طی سه دهه گذشته شیعیان لبنان حداقل ۲۸ عنوان نشریه به چاپ رسانده‌اند که ۲۱ مورد از آنها همچنان مطرح‌اند.

ساختار فرقه‌ای لبنان مبتنی بر سرشماری ۱۹۳۲ م. است که در این باره نیز تردیدهایی وجود دارد. براساس این سرشماری، شیعیان ۱۹/۶ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دادند. درصد سایر جوامع بزرگ‌تر بدین شرح بودند: مسیحیان مارونی ۲۸/۸ درصد، ارتدوکس‌های یونانی ۹/۸

یکدیگر در جریان جنگ داخلی، بسیاری از لبنانی‌ها را از پیامدهای منفی انتساب‌های جبری آگاه ساخت. در جریان ننگین «جرائم گذرنامه‌ای» شبه‌نظامیان متخاصم جوامع دیگر را صرفاً به خاطر نوع دین و مذهبی که در شناسنامه‌شان درج شده بود مورد بازجویی قرار می‌دادند، می‌ربودند و حتی قتل‌عام می‌کردند. نویسنده این اثر اظهار می‌دارد که در جریان تحقیقات خود با عدهٔ بیشماری از متفکران و سکولاریست‌های لبنانی که اکثراً هم از نسل جوان بودند و به علاوه، تعداد بسیار زیادی از اسلام‌گرایان گفت‌وگو داشته است، اما آنان حتی از پاسخ به پرسش راجع به مذهب و فرقهٔ خود اجتناب کردند. گروه اول احتمالاً خود را «لبنانی» و گروه دیگر «مسلمان» می‌نامند. ناشران مسلمان از اینکه بیگانگان و خارجی‌ها آنان را «شیعه» معرفی کنند، امتناع می‌ورزند و به طور کلی، خود را «مسلمان» یا «لبنانی» می‌نامند و این درحالی است که در میان هم‌کیشان خود به برقراری ارتباط شیعی اذعان دارند.

برخلاف تمایلی که سعی در تبدیل ارتباط دینی به ارتباط شخصی و فردی دارد، احساسات فرقه‌گرایانه همچنان در بحث‌های عمومی لبنان جایگاه مهمی ایفا می‌کند. در بیشتر موارد از طریق نام کوچک و نام خانوادگی، محل تولد و منطقه سکونت واقعی و گاهی با گویش و عادت‌های خاص می‌توان به اصل و تبار مذهبی افراد پی برد. افراد معتقد گاهی ارتباط دینی خود را با داشتن جامه و مدل موی خاص و به همراه داشتن نمادهای عبادی و دینی خاص آشکارا ابراز می‌کنند. اکثر ناشران مورد مصاحبه در این تحقیق - چه پیشکسوت و چه اسلام‌گرا - به دلیل چهرهٔ منفی احساسات فرقه‌گرایانه، تا حدودی نسبت به قرار گرفتن در دسته‌بندی و اجتماع «شیعه» رنجیده خاطر شدند. بسیاری از شخصیت‌هایی که در مصاحبه‌ها شرکت داشته‌اند به انتخاب ناشران شیعه برای این تحقیق انتقاد داشتند و این نگرش را «فرقه‌گرایانه» می‌دانستند. آنان دسته‌بندی بر اساس شیعه بودن ناشران را مردود می‌شمردند و در پاسخ به پرسش‌های دینی از قالب‌ها و کلیشه‌های عمومی و رایج شیعه اجتناب می‌کردند. نویسنده در پاسخ به این انتقاد می‌گوید که تحقیق و بررسی دربارهٔ تمامی ناشران لبنانی در گستره‌ای به اندازهٔ این پژوهش، برای یک محقق تنها غیرممکن است. افزون بر این وی قصد نداشته تا شیعه را مانند پدیده‌ای غریبه نامفهوم و ناآشنا معرفی کند یا ضرورتی حیاتی برای آن قائل شود برعکس وی برآن بوده که دربارهٔ بعد سیاسی و جامعه‌شناختی تکامل و گسترش جامعهٔ خاصی در لبنان و فعالیت‌های آنان در زمینهٔ نشر توضیحاتی ارایه دهد. تعریف جبری از ناشران «شیعه» در این تحقیق - یعنی خاستگاه شیعی و نه لزوماً ایمان و اقرار آنها - فقط معیاری برای وارد ساختن آنان به این پژوهش بوده است. زیرا مناسب‌تر است که ابتدا معیار کلی و جامع در نظر گرفته شود و سپس به انطباق آن با مصادیق و تشخیص آنها مبادرت شود. حدود یک سوم از ناشران مورد بررسی در این تحقیق به اعتقادات شیعی خود اذعان داشته‌اند و آثار منتشرهٔ آنان به وضوح مملو از نمادهای شیعی است. این گفته‌های روزی‌نشان می‌دهد که وی تا چه اندازه در تعیین چارچوب‌های محدود و صحیح برای پژوهش خود مصر بوده است.

به نظر نویسنده می‌توان گفت که هدف ناشران نوع اول نوگرایی اسلامی است و حال آنکه اسلام‌گرایان در صدد اسلامی کردن نوگرایی‌اند. هرگاه ناشران شیعهٔ اسلام‌گرا و پیش‌کسوت (یا لاتیگ) در کنار هم قرار گیرند پویاترین، گسترده‌ترین و فعال‌ترین بخش صنعت نشر لبنان در عصر حاضر را به وجود می‌آورند.

روزی‌نوی بر این عقیده است که بدون تعریفی منسجم از شیعه نمی‌توان به طبقه‌بندی واقعی دست یافت. از این رو مبحثی را با عنوان «شیعه کیست؟» گشوده است. به نظر او در لبنان به دوگونه می‌توان شیعه را تعریف کرد. نخستین تعریف براساس هویت نسبی اجتماعی است. انتساب انسان به والدین شیعه یا حداقل پدر شیعه، موجب شیعه بودن خود است. بنابراین، وابستگی نسبی با پیوند دینی ارتباط پیدا می‌کند. این همان تعریفی است که هنوز در ذهن بسیاری از لبنانی‌ها نقش بسته است. علاوه بر این، بسیاری از قوانین و مقررات سیاسی و اجتماعی بر این شیوه از نسبت دادن هویت مبتنی است. نام فرقه‌ای که خانواده به آن معتقد است در شناسنامهٔ افراد ثبت است و حقوق خانواده نیز تابع مقررات نوزده فرقهٔ رسمی لبنان است. بنابراین، ازدواج‌های میان‌مذهبی که مرزهای فرقه‌ای اشخاص را به هم می‌زند مشکل‌آفرین است. در حوزهٔ سیاست، اگر یک لبنانی بخواهد در انتخابات پارلمان شرکت کند، صرف‌نظر از معتقد بودن یا نبودن، باید هویت فرقه‌ای خود را اعلام کند تا نامزد انتخاباتی یکی از کرسی‌های محفوظ برای آن فرقه باشد. به همین ترتیب، اکثر موقعیت‌های بلندپایهٔ دولتی، حکومتی و سیاسی به نسبت یکسان میان جوامع مذهبی توزیع می‌شود. عامل مهم دیگری که این نوع ارتباط جبری و حتی گاهی متضاد با تمایلات شخصی را قوت می‌بخشد فشارهای زیرکانه و بی‌وقفهٔ هویت‌های جمعی است. گریز از فرقهٔ خود بسیار دشوار است و گریز از انتساب خود به فرقه نیز امری تقریباً غیرممکن می‌نماید. از این رو شیعهٔ ثبت احوالی و مندرج در شناسنامهٔ چندان دقیق نیست. راه دیگر تعریف شیعه آن است که به اقرار فردی اشخاص به مسلمان و پیرو مذهب شیعه بودن استناد شود. پرهیزکارانه زیستن، عمل به آیین‌ها و آداب دینی، انجام وظایف، شرکت در مراسم و جشن‌های مذهبی و رفتن به زیارت‌گاه‌ها به دلیل اعتقادات شخصی رفتارهایی است که با مشاهدهٔ آنها می‌توان به شیعه بودن فرد بر اساس یک انتخاب داوطلبانه پی برد.

البته این دو شیوه را نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد. آنها مکمل یکدیگر و در زندگی روزمره آمیخته هستند. هویت همواره با محیط و موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی، ضرورت‌ها و فشارهای اقوام، همسایگان، ناآشنایان و دشمنان در ارتباط است. در مقابل، هر جامعه‌ای با تجارب و تصمیمات فردی اعضای درونی خود حیات می‌گیرد. بیرون راندن رسوم سنتی و جایگزینی آن با هویت‌های ابداعی بخشی از روند نوگرایی به حساب می‌آید. این موضوع را در مفهوم پیوندهای دینی نیز می‌توان مشاهده کرد. پیوند دینی را که یک ارتباط ایده‌آل وصف شده است دیگر ذاتی و فطری انسان تلقی نمی‌کنند، بلکه آن را حاصل اعتقاد و ایمان و تصمیم فردی می‌دانند. فجایع قتل‌عام اقوام مختلف به دست

ساختار مطالب و مباحث

پس از مقدمه، مطالب در چهار فصل تنظیم و تدوین شده است. کتاب یک پیشگفتار یک صفحه‌ای دارد و یک مقدمه حدود دو صفحه‌ای که خود نویسنده آن را به عنوان فصلی از کتاب نوشته است. این مقدمه شامل مباحثی در ویژگی‌های نشر شیعی لبنان^۶ و هویت شیعیان لبنان^۷ است. فصل دوم درباره ویژگی‌های ناشران شیعه در لبنان^۸ و فصل سوم درباره انتشارات اسلام‌گرایان شیعه در لبنان^۹ و بالاخره فصل چهارم درباره فهرست شرکت‌ها و مؤسسات انتشاراتی شیعه^{۱۰} است.

فصل دوم را با بررسی تاریخ نشر شیعه لبنان آغاز می‌کند و علل و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روی آوردن شیعیان را به نشر تحلیل می‌نماید. در ادامه، ناشران شیعی لبنان را بر اساس شاخص‌های مختلف طبقه‌بندی و آنها را به چند دسته تقسیم می‌کند.

در بخش‌های پایانی این فصل آمار ناشران و تعداد عناوین کتاب منتشر شده آمده است.

فصل سوم را با بررسی تاریخ و عقاید شیعه آغاز می‌کند. بعد از آن حرکت‌های اسلامی شیعه در دوره معاصر و سپس تعاملات و ارتباطات مؤسسه‌های انتشاراتی شیعه لبنانی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. در آخر فرهنگ اسلامی و فرهنگ اسلام‌گرایان و وضع اقتصادی ناشران شیعه را تحلیل می‌کند.

آخرین فصل حاوی چهار مبحث است: ناشران پیش‌کسوت شیعه، ناشران لائیک شیعه، ناشران اسلام‌گرا، مالکان مؤسسات انتشاراتی. یکی از کارهای مفید نویسنده در این فصل گردآوری اطلاعات درباره موضوعات اصلی و فرعی آثار شیعی منتشر شده و طبقه‌بندی آنهاست. چند مبحث هم به عنوان ضمیمه در پایان کتاب آمده است: آمار شرکت‌ها و مؤسسات انتشاراتی، شخصیت‌شناسی حوزه نشر شیعیان لبنان و نشریات شیعی در لبنان.

آمارها

بخش مهمی از این اثر عرضه آمارهای مختلف برپایه شاخص‌های متعدد است. بر اساس ملاک چاپ و نشر کتاب شیعی، ناشران، هرچند در تملک سنی مذهب‌ها، به ناشران «پیش‌کسوت» و «اسلام‌گرا» تقسیم می‌شوند. در مجموع ۳۱۲ ناشر به عنوان مراکز چاپ و نشر آثار شیعی و فعال در دو دهه اخیر در لبنان شناسایی شده‌اند. از این میان، ۶۶ ناشر با سابقه‌تراند. اولین ناشر «العرفان» و سال تأسیس آن در ۱۹۰۹ م. است. از ۱۹۰۹ تا ۱۹۳۰ م. از ناشری یاد نشده است. در ۱۹۳۰ م. «دارالعرفان» فعالیت خود را آغاز کرده است. ناشرانی که از ۱۹۰۹ تا ۱۹۷۹ ثبت شده‌اند، ناشران پیش‌کسوت به شمار آمده‌اند. مهم‌ترین این ناشران و سال تأسیس آنها این‌گونه است: دارالاندلس (۱۹۴۷)، دارالکتاب اللبنانی (۱۹۵۰)، الشركة العالمية للكتاب و دارالحیات (۱۹۵۲)، مؤسسه العویدات (۱۹۵۷)، دارالمعرفة (۱۹۶۹)، دارالافتاح الجدیدة (۱۹۷۱)، دارالفکر اللبنانی (۱۹۷۸)، مؤسسه عزالدین (۱۹۷۸) و بالاخره المؤسسة الجامعیة (۱۹۷۹).

۹۷ ناشر با گرایش اسلام‌گرایی آثار شیعی منتشر ساخته‌اند. این

ناشران فقط کتاب اسلامی منتشر کرده‌اند. اما ناشرانی هم بوده‌اند که با وجود گرایش اسلام‌گرایی، کتابهایی در موضوعات علمی دیگر هم منتشر کرده‌اند. مؤلف، این‌گونه ناشران را اسلام‌گرایان «حاشیه‌ای» نام نهاده و شمار آنان را ۴۱ ناشر گزارش کرده است. شمار ناشران اسلام‌گرا در مجموع ۱۳۸ ناشر است. قدیمی‌ترین ناشر اسلام‌گرا، «جمعیة القرآن الکریم» (تأسیس در ۱۹۵۶ م.) است. ۱۰۸ ناشر براساس شاخص اسلام‌گرایی و پیش‌کسوتی، وضع نامشخص دارند. در مقابل ناشران اسلام‌گرا، ناشران سکولار قرار دارند. سکولار در تلقی نویسنده ضددینی و حتی غیردینی نیست. بلکه وی ناشرانی را که دغدغه ایدئولوژیک ندارند سکولار نامیده است. برای نمونه دارالاندلس را در زمره ناشران سکولار نام برده با اینکه آثاری در زمینه تصوف اسلامی و تاریخ اسلام چاپ کرده است. ملاک شیعی بودن ناشران سکولار، مدیریت یا مالکیت آنها توسط شیعیان نیست.

شاخص دیگر طبقه‌بندی ناشران، وابستگی آنها به مرجعیت است. هفت مرجع تقلید، سیدمحمد حسین فضل‌الله، سیدابوالقاسم خوبی، سید روح‌الله خمینی (و سیدعلی خامنه‌ای)، سید محمدباقر صدر، محمدمهدی شمس‌الدین، سیدمحمد شیرازی، سیدعلی حسینی سیستانی مشخص شده و ناشرانی که از نظر فکری و مالی به آنها وابستگی دارند تعیین شده‌اند. البته نویسنده محمدمهدی شمس‌الدین را به اشتباه از مراجع تقلید دانسته است، مگر آنکه مرجعیت را به مرجعیت فکری و دینی تأویل کنیم. در هر حال، بر اساس این شاخص، شش ناشر مانند دارالملاک وابسته به آقای فضل‌الله، سه ناشر مانند النور وابسته به آقای خوبی، شش ناشر مانند دارالثقلین وابسته به امام خمینی (و آیت‌الله خامنه‌ای)، سه ناشر مانند دارالغدیر وابسته به آقای صدر، دو ناشر مانند الغدیر وابسته به آقای شمس‌الدین، هفت ناشر مانند مؤسسة الفكر الاسلامی، وابسته به آقای شیرازی و بالاخره سه ناشر مانند مؤسسه آل‌البیت (ع) وابسته به آقای سیستانی است.

بر اساس این پژوهش، هم‌اکنون هر سال ۲۰۰۰ عنوان کتاب جدید از سوی ناشران شیعی چاپ می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

- 1-Islamismus bei den schiitech im lebanon, Berlin, 1996.
- ۲- این دو از کتابخانه‌های مشهور آلمان است که به مطالعات شرق شناسی و اسلام شناسی اختصاص دارد.
- ۳- این پژوهش با عنوان دلیل المتابع در ۱۹۸۷ م منتشر شده است.
- ۴- «النور الثقافی العربی».
- ۵- «نقابه اتحادالناشرین فی لبنان».

6. Shi'a publishing in Lebanon
7. Who is a shi'a in Lebanon
8. Characteristics of shi'a publishing Houses in Lebanon
9. Shi'a Islamist Publishing in Lebanon
10. List of shi'a publishing Houses and Institues